

بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر الگوی ازدواج...  
مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره یازدهم، شماره 2

## بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر الگوی ازدواج

(مطالعه موردی: شهر شیراز)

زهرا کاظمی، صغری نیازی

چکیده: مدل‌ها و آرمان‌های توسعه‌ای به‌طور گسترده‌ای در جهان انتشار یافته‌اند و در جهت تغییر دادن نگرش‌ها و رفتارها عوامل مهمی هستند. الگوی ازدواج در ایران نیز از یک طرف تحت تأثیر عوامل درونی مانند مدرنیزاسیون، شهرنشینی و سطح بالای تحصیلات و از طرف دیگر تحت تأثیر عوامل بیرونی مانند آرمان‌گرایی توسعه‌ای قرار گرفته و کم‌کم تمایلی به مشابهت با الگوی ازدواج مدرن در جوامع صنعتی نشان می‌دهد. مثلاً سن ازدواج کم‌کم بالاتر می‌رود و پذیرش طلاق برای افراد آسان‌تر می‌شود. همچنین در هنجارهای فرهنگی مانند انتخاب همسر بر اساس عشق و مطلوبیت ازدواج تغییراتی به وجود آمده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر متغیرهای فرهنگی و زمینه‌ای بر الگوی ازدواج انجام یافته است. این پژوهش به شیوه پیمایشی و با کمک پرسش‌نامه بر روی 400 نفر از جمعیت 50\_17 ساله شهر شیراز انجام گرفته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، با افزایش آرمان‌گرایی توسعه‌ای افراد، الگوی ازدواج آن‌ها مدرن‌تر می‌شود. همچنین متغیرهای جنس، سن، اولویت‌های ارزشی، درآمد، میزان تحصیلات و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با الگوی ازدواج رابطه معنی‌داری داشته‌اند. بر اساس نتایج رگرسیون چندمتغیره از بین کل متغیرهای مستقل، متغیرهای جنس، آرمان‌گرایی توسعه‌ای، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سن، اولویت‌های ارزشی و درآمد 73 درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. متغیر جنس بیشترین تأثیر را بر الگوی ازدواج داشت.

مفاهیم کلیدی: آرمان‌گرایی توسعه‌ای، متغیرهای فرهنگی، اولویت‌های ارزشی، الگوی ازدواج، دگرگونی نگرش و رفتارها.

### 1. مقدمه

فرایند تشکیل خانواده و ازدواج به‌عنوان یکی از مراحل اساسی زندگی افراد در جامعه و تأثیرگذار بر روی سایر فرایندها و پدیده‌های جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که همواره مورد علاقه و توجه محققان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی بوده است. یکی از دلایل مهم اهمیت یافتن این مطالعات، تغییرات سریع این فرایند تشکیل خانواده در جریان فرایند نوسازی و توسعه جوامع مختلف بوده است (کنعانی، 1385). در کشورهای در حال توسعه، در اثر تعامل عوامل و شرایط درونی با تأثیرات بیرونی، خانواده دچار تغییرات شده است و می‌رود تا به‌طور اساسی دگرگون شود. به تعبیر یکی از جامعه‌شناسان:

در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ‌کدام به‌اندازه رویدادهایی نیست که در زندگی شخصی سدر روابط جنسی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده — در حال وقوع است. در خصوص این‌که ما چگونه درباره خود فکر می‌کنیم و چگونه با دیگران پیوند و رابطه برقرار می‌کنیم، انقلابی در جریان است (گیدنز، 1999: 1). اولین انقلاب تاریخ معاصر ایران، انقلاب مشروطه، عمدتاً انقلابی برای ترقی بود.

با روی کار آمدن پهلوی اول نوسازی در ابعاد سازمانی، اقتصادی و فرهنگی تشدید شد (سرابی، 1385). فرایند نوسازی با افزایش سطح تحصیلات زنان، بهبود موقعیت زنان، افزایش میزان بیکاری، صنعتی‌شدن، شهرنشینی، افزایش امکانات و تغییر ایده‌ها و نگرش‌های فرهنگی افراد جامعه همراه بوده است که این عوامل می‌توانند برای ازدواج و تحولات آن، تأثیرگذار باشند (کنعانی، 1385). با گسترش فناوری‌های ارتباطی نوین که ناشی از دگرگونی‌های نظام‌های ارتباطی داخلی و خارج از کشور است، آشنایی افراد جامعه با فرهنگ سایر ملل امکان‌پذیر شده است و رهاورد این دگرگونی‌ها تغییرات نگرشی افراد نسبت به موقعیت‌شان در جامعه و در ارتباط با جامعه جهانی است. بنابراین در بررسی تغییرات خانواده علاوه بر عوامل و شرایط ذکر شده، تغییرات

خانواده در کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی نیز به عنوان عوامل بیرونی بر الگوهای ازدواج در ایران تأثیر گذاشته است. در جوامع پسامدرن غربی خانواده در حال زوال است<sup>1</sup> و کارکردهای آن، شاید غیر از کارکرد تأمین نیازهای عاطفی، همگی تضعیف شده یا به طور کامل از بین رفته است. زندگی در خانوارهای غیر خانوادگی، تک‌زیستی (در خانوارهای یک نفره)، خانواده تک‌والدی و زوج‌زیستی (زندگی پیش از ازدواج با جنس مخالف) به شدت افزایش یافته است. به علت اولویت دادن به ارضای تقاضاهای فردی، واقعه ازدواج به تعویق افتاده، سن ازدواج بالا رفته، میزان ازدواج پایین آمده، وقوع طلاق بیشتر شده است (سرایی، 1385). در کشوری مانند ایران با گسترش تدریجی بخش مدرن جامعه که با گسترش شهرنشینی همراه است و تأکید بیشتر بر میزان تحصیلات، خصوصاً تحصیلات زنان، سن ازدواج به آهستگی بالا رفت. در جامعه پیش از گذار ایران به سبب نگاه منفی جامعه به واقعه طلاق و متضرر شدن خانواده گسترده از این واقعه، حتی در صورت سردی روابط زوجین، طلاق صورت نمی‌گرفت. ولی در بخش‌هایی از جامعه که بیشتر در معرض ارتباط با خارج بودند، ازدواج‌ها در صورت سردی و سستی روابط بین زوجین با موانع کمتری برای طلاق مواجه می‌شدند. با توجه به مراتب یادشده، الگوهای ازدواج در ایران تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی قرار گرفته و تغییراتی در آن ایجاد شده است؛ مثلاً پیش‌رسی، عمومیت و میزان ازدواج کاهش یافته و شاخص میانگین سن ازدواج در کل کشور، استان فارس و نیز شهر شیراز افزایش یافته است. شاخص میانگین سن ازدواج در بین مردان و زنان کل کشور از سال 1375 تا 1385، به ترتیب از 25/6 به 28/4 در بین مردان و از 22/4 به 24/7 در بین زنان افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، 1375 و 1385). از بعد کارکردی هرچه درصد افراد ازدواج‌نکرده افزایش یابد، بر درصد افراد تک‌زیست نیز افزوده می‌شود و این امر مسائلی چون انزوا و زندگی حاشیه‌ای را به دنبال می‌آورد و روان‌پریشی‌های اجتماعی را تشدید می‌کند (جعفری و چوبری، 1385). بنابراین شناخت و بررسی شاخص‌ها، ویژگی‌ها و چالش‌های ازدواج می‌تواند به متصدیان و متولیان فرهنگی کشور در جهت برون‌رفت از وضعیت موجود در عرصه تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کمک کند. همچنین از آنجایی که رفتار تابعی از نگرش و ارزش‌گذاری‌های مثبت و منفی تلقی می‌شود و نگرش‌های فرهنگی افراد جامعه تحت تأثیر نوسازی و توسعه تغییر پیدا می‌کند، پس با بررسی نگرش‌های نسل جوان نسبت به تشکیل خانواده و ایده آل‌های همسرگزینی می‌توان تا حدی به پیش‌بینی رفتارهای آتی ایشان اقدام نمود و هماهنگی آن با روندی که در سال‌های اخیر از سوی زوج‌های ایرانی در زمینه افزایش سن ازدواج و کاهش باروری در پیش گرفته شده است را مورد بررسی قرار داد (احمدنیا و مهریار، 1382).

از این رو، این پژوهش در پی دستیابی به اهداف زیر است :

1. بررسی الگوی ازدواج در میان جمعیت، 17 تا 50 ساله شیراز.
2. بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر الگوی ازدواج.
3. بررسی تأثیر متغیرهای زمینه‌ای (جنس، سن، میزان درآمد، وضعیت فعالیت، میزان

تحصیلات و محل تولد) بر الگوی ازدواج.

## 2. مبانی نظری و سوابق پژوهش

رهیافت‌های نظری مختلفی برای تبیین الگوی ازدواج مطرح شده‌اند که در این مقاله از نظریه‌های نوسازی، مبادله، تحول و دگرگونی فرهنگی و ارزشی اینگلهارت و آرمان‌گرایی توسعه‌ای که ارتباط بیشتری با موضوع تحقیق دارند، استفاده شده است.

نظریه نوسازی پایه نظری بسیاری از تحقیقات در زمینه تغییرات و تحولات در نظام خانواده را تشکیل می‌دهد. مثلاً ویلیام جی گود<sup>2</sup> (1963) و پیتر سی اسمیت<sup>3</sup> (1980) با بررسی تأثیر نوسازی بر تغییرات ساختاری خانواده در سرتاسر جهان به این نتیجه

<sup>1</sup>. بعضی اصطلاح «زوال خانواده» را که پاپنو (1997) در مورد جامعه آمریکا به کار می‌برد نامناسب می‌دانند و تغییرات در خانواده را نوعی سازگاری با تغییرات این جامعه در چند دهه اخیر می‌دانند.

<sup>2</sup>. William J. Good

<sup>3</sup>. Peter C. Smith

رسیده‌اند که فرایند جهانی نوسازی، صنعتی‌شدن و شهرنشینی موجب تغییر در ساختار سنتی خانواده و توسعه خانواده‌های جدید از نوع اروپایی در سراسر جهان شده است. در این فرایند نقش شبکه خویشاوندی در روابط خانوادگی و آداب و رسوم ازدواج تغییر یافته و الزامات دوجانبه بین زوج‌ها و شبکه خویشاوندی وجود ندارد. نومکانی، انتخاب آزادانه همسر، توافق اولیه بین زن و شوهر و ضرورت علاقه دوجانبه بین آن‌ها از نتایج سازگاری خانواده با شرایط زندگی مدرن است (کنعانی، 1385).

فرض اساسی نظریه مبادله آن است که مردم در انتخاب‌های خود منطقی‌اند و در صدد به حداکثر رساندن سود خود از انتخاب و برقراری رابطه با دیگران هستند. بارتز و نای<sup>1</sup> (1970) با کاربرد این نظریه در مورد ازدواج دو دسته عوامل تعیین‌کننده ازدواج را مشخص کرده‌اند. دسته اول آن‌هایی هستند که موجب می‌شوند ازدواج برای فرد رضایت بیشتری را نسبت به مجرد ماندن تأمین کند و دسته دوم آن‌هایی هستند که موجب می‌شوند ازدواج در میان بسیاری از جایگزین‌های نامطلوب برای فرد کمتر نامطلوب باشد. دیکسون<sup>2</sup> (1971) بر روی اهمیت سه متغیر ما بین ساختار اجتماعی و الگوی ازدواج تأکید می‌کند: قابلیت دسترسی به شریک آینده زندگی، امکان‌پذیر بودن ازدواج برحسب شرایط اقتصادی اجتماعی، مطلوبیت ازدواج بر حسب فشارهای اجتماعی و انگیزه‌های فردی (همان، 108).

نظریه تحول و دگرگونی فرهنگی و ارزشی که رونالد اینگلهارت طرح نموده است، به دنبال فهم چرایی و چگونگی تغییر و تحولات فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌های جوامع است. در مجموع نظریه تغییر نگرشی و ارزشی اینگلهارت دارای دو فرضیه پیش‌بینی‌کننده است که دگرگونی ارزش‌ها را تبیین می‌کند. 1. فرضیه کمیابی<sup>3</sup>: که بر اساس آن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی اوست و فرد بیشترین ارزش را برای چیزهایی قائل است که عرضه آن‌ها کم است. 2. فرضیه جامعه‌پذیری<sup>4</sup>: این اصل مبتنی بر این قضیه است که ارزش‌های اساسی فرد، منعکس‌کننده شرایط و فرایند جامعه‌پذیری وی است که در سال‌های قبل از بلوغ تجربه کرده است (اینگلهارت، 2000: 221). بنابراین فرضیه کمیابی به تغییرات کوتاه‌مدت با آثار دوره‌ای اشاره دارد، دوره‌های رونق اقتصادی به افزایش فرامادی‌گرایی و دوره‌های کمیابی (رکود اقتصادی) به مادی‌گرایی می‌انجامد، و فرضیه جامعه‌پذیری، دلالت بر وجود آثار بلندمدت نسلی دارد (اینگلهارت، 1383؛ آزاد و غفاری، 1383). بنا بر تعبیر اینگلهارت، فرامادیون کسانی هستند که در دوران شکل‌گیری شخصیت‌شان (پیش از بلوغ)، دارای امنیت سازنده<sup>5</sup> بوده‌اند یعنی دارای امنیت اقتصادی و جانی. این افراد کسانی هستند که اولویت‌های ارزشی‌شان فرامادی‌گرایانه است چرا که آن‌ها امنیت اقتصادی و جانی را مسلم فرض کرده‌اند. بنابراین یک‌دسته نیازهای دیگر برای آن‌ها مطرح می‌شود. نیازهایی چون شکوفایی، عشق و دلبستگی که نیازهای سطح بالا هستند. آن‌ها کسانی هستند که به انتخاب انسانی اهمیت بسیار زیادی می‌دهند. ولی مادی‌گرایان افرادی هستند که به دلیل نداشتن احساس امنیت سازنده ناشی از دوران شکل‌گیری شخصیت‌شان و وضعیت اقتصادی فعلی سداً اولویت‌های مادی‌گرایانه هستند. این افراد بیشتر بر امنیت اقتصادی و جانی تأکید دارند (اینگلهارت و دیگران، 2004: 11). همین امر منجر به جهت‌گیری‌های بسیار متفاوت مادیون و فرامادیون نسبت به بسیاری از مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود و نگرش‌های آن‌ها را نسبت به بسیاری از هنجارهای سنتی جنسیتی مانند روابط جنسی نامشروع، فحشا، سقط جنین، طلاق و... متفاوت می‌کند. به‌منزله یک تعمیم گسترده، می‌توان اظهار داشت مادیون بسیار بیشتر از فرامادیون از هنجارهای سنتی حمایت می‌کنند (اینگلهارت، 1383: 222).

---

1. Bartz and Nye

2. Dixon

3. Scarcity hypothesis

4. Socialization hypothesis

5. Formative security

بر اساس نظریه آرمان‌گرایی توسعه‌ای، گریتز<sup>1</sup> (1973)، فریک<sup>2</sup> (1997) و آندرد<sup>3</sup> (1984) چارچوب توسعه‌ای را به‌عنوان یک «مدل آرمانی از واقعیت»<sup>4</sup> و یک «مدل آرمانی برای واقعیت»<sup>5</sup> توصیف کرده‌اند. به‌عنوان یک مدل آرمانی از واقعیت، پارادایم توسعه‌ای پیشنهاد می‌کند که همه جوامع از طریق همان مراحل طبیعی، کلی و لازم توسعه، پیشرفت می‌کنند که جوامع پیشرفته و مدرن اروپای غربی در چند قرن اخیر طی کرده‌اند. پژوهشگران ابعاد متنوعی را در کشورهای توسعه‌یافته برمی‌شمرند مثل: صنعتی شدن، زندگی شهری، سطوح بالای تحصیلات، تحرک جغرافیایی، دموکراسی و پلورالیسم (تکثرگرایی فرهنگی). این عناصر ابتدا در جوامع اروپای شمال غربی دیده می‌شده و به‌تدریج به دیگر جوامع انتشار یافته است (تورنتون<sup>6</sup> و همکاران، 2006). به‌عنوان یک مدل آرمانی برای واقعیت، آرمان‌گرایی توسعه‌ای چارچوبی است برای رفتار و واکنش به جهان. چهار موضوع اصلی که آرمان‌گرایی توسعه‌ای به آن می‌پردازد عبارتند از: 1) جامعه مدرن خوب و قابل دسترس است. 2) خانواده مدرن خوب و قابل دسترس است. 3) جامعه و خانواده مدرن به صورت علت و معلول در ارتباط با هم هستند و 4) افراد آزاد و برابر هستند و روابط اجتماعی باید بر پایه رضایت و خرسندی باشد. به عبارت دیگر، آزادی و برابری و حقوق انسانی بسیاری از حوزه‌ها و از جمله خانواده را دربر می‌گیرد. اگرچه ایده‌های پارادایم توسعه‌ای اولین بار در بین نخبگان غربی رواج یافته است، اما از طریق رسانه‌های جمعی، تحصیلات، صنعتی شدن، شهرنشینی،... به صورت فعال پخش شده‌اند (همان، 8).

آستین نشان (1380) در تحقیقی با عنوان «بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی-جمعیتی مؤثر بر آن طی سال‌های 1355-1375» به بررسی روند تحولات سن ازدواج در سطح شهرستان‌ها به تفکیک مناطق شهری و روستایی پرداخته است. نتایج حاصل از بررسی وی حاکی از آن است که عوامل مؤثر بر نوسانات میانگین سن ازدواج زنان در سه دوره متفاوت بوده و از مهم‌ترین این عوامل می‌توان به میزان باسوادی (سال 1355)، نسبت جنسی (سال 1365) و میزان تحصیلات عالی (سال 1375) اشاره نمود. در بعضی از دوره‌ها میزان اشتغال و میزان بیکاری نیز در این روند سهم بوده‌اند. تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین میانگین سن ازدواج زنان شهری و روستایی دیده نشده است و طی سال‌های 1375-1355 بر تعداد شهرستان‌ها با بالاترین میانگین سن ازدواج زنان افزوده شده است (آستین نشان، 1380).

قربانی (1383) در بخشی از تحقیق خود درباره تغییرات فرهنگی (از کوچ به اسکان) مطالعه موردی: عشایر تالش، دگرگونی نظام خانواده تالشی را در طول سه نسل مورد بررسی قرار داده است. بررسی این تغییرات بر اساس نظریه ماتریالیسم فرهنگی و فرهنگ پذیری صورت گرفته است. همجواری با همسایگان و کسب فرهنگ آن‌ها از یک طرف و ایجاد خانواده بر اساس هدف‌های مشترک اقتصادی، مادی و غریزی (در دوران مختلف) باعث ایجاد این دگرگونی شده است. مشخصات خانواده از نظر حجم از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای در حال دگرگونی است. سن ازدواج بالا رفته و حتی بزرگسالان نیز اعتقادی به ازدواج در سنین 17 یا 18 سالگی ندارند و سن ازدواج دختر را حداقل 20 سال و سن ازدواج پسر را 25 سال پیشنهاد می‌کنند. ازدواج درون‌گروهی و فامیلی نیز در طول سه نسل اهمیت خود را از دست داده و تبدیل به ازدواج برون‌گروهی شده است ولی هنوز هم والدین در انتخاب همسر فرزندان خود دخالت دارند (قربانی، 1383).

---

1. Geertz

2. Fricke

3. Andrade

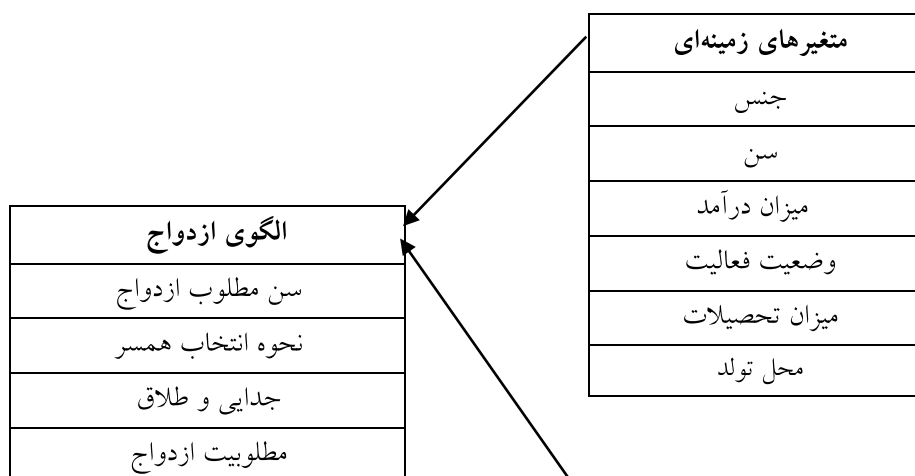
4. ideational model of reality

5. ideational model for reality

6. Thornton

میترا<sup>۱</sup> (2004) به مطالعه «عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر سن ازدواج و باروری کلی در نپال» پرداخته است. بر اساس نتایج این مطالعه، بین میزان تحصیلات والدین و سن ازدواج فرزندان رابطه معکوس وجود دارد و با بالاتر رفتن میزان تحصیلات والدین (مخصوصاً تحصیلات مادر)، سن ازدواج فرزندان کاهش می‌یابد. شهرنشینی به‌عنوان یکی از شاخص‌های نوسازی، عمدتاً با ازدواج در سنین بالاتر هماهنگ بوده است. افزایش امکانات مربوط به گذران اوقات فراغت و استفاده بیشتر از وسایل ارتباط جمعی نیز معمولاً موجب ازدواج‌های دیررس می‌شود. در کشورهایی که جایگزین‌های زندگی ازدواجی در دسترس و پذیرفته شده باشد یا فعالیت جنسی خارج از ازدواج مقبول باشد، میزان شیوع ازدواج پایین‌تر است. همچنین نوسازی با تغییر ساختار سنی و جنسی جمعیت و تغییر ایده‌ها و ارزش‌های مرتبط با ازدواج، وضعیت افراد آماده ازدواج از لحاظ در دسترس بودن همسر مناسب را نیز تحت تأثیر قرار داده است. همچنین در این بررسی تأثیر میزان تحصیلات و بهبود موقعیت زنان بر تشکیل خانواده نیز نشان داده شده است (میترا، 2004).

تورنتون و همکارانش (2006) در تحقیقی تحت عنوان «تأثیر آرمان‌گرایی توسعه‌ای بر روی ازدواج: شواهدی از نپال» هدفشان بررسی این فرضیه بوده است که ایده‌ها و آرمان‌های توسعه‌ای در رابطه با زندگی خانوادگی در سراسر جهان انتشار یافته‌اند و نیرویی برای تغییرات آرمانی و رفتاری افراد شده‌اند. آن‌ها شیوه‌هایی که الگوهای ازدواج در نپال (ازدواج در سنین پایین، ازدواج‌های ترتیب‌یافته، غیرمجازبودن ازدواج‌های درون‌گروهی، چندهمسری و مجازنبودن طلاق در دهه 1950) را تحت تأثیر ایده توسعه‌ای قرار داده‌اند، با استفاده از مطالعه کمی و کیفی و مصاحبه رو در رو، بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که امروزه بیشتر نپالی‌ها رفتارهای ازدواج مشابهی با غربی‌ها دارند. شواهد نشان داده است که سن ازدواج بالاتر رفته، ازدواج درون‌گروهی بیشتر شده، طلاق مجاز شده، جوانان بیشتر خودشان همسران‌شان را انتخاب می‌کنند و چندهمسری به شدت کاهش یافته است که این تغییر رفتارها تحت تأثیر عواملی ناشی از توسعه مانند گسترش تحصیلات و استفاده از وسایل ارتباط جمعی است (تورنتون و همکارانش، 2006).



متغیرهای فرهنگی
میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی
اولویت‌های ارزشی
آرمان‌گرایی توسعه‌ای

### نمودار شماره 1. الگوی نظری و فرضیات

برای پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق، فرضیات تحقیق به شرح زیر ارائه می‌گردد:

1. بین الگوی ازدواج زنان و مردان تفاوت وجود دارد.
2. بین الگوی ازدواج شاغلان و غیرشاغلان تفاوت وجود دارد.
3. بین الگوی ازدواج متولدین شهر و روستا تفاوت وجود دارد.
4. بین الگوی ازدواج افراد برحسب اولویت‌های ارزشی‌شان تفاوت وجود دارد.
5. بین سن فرد و الگوی ازدواج رابطه وجود دارد.
6. بین میزان درآمد ماهیانه خانواده و الگوی ازدواج رابطه وجود دارد.
7. بین میزان تحصیلات فرد و الگوی ازدواج رابطه وجود دارد.
8. بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و الگوی ازدواج رابطه وجود دارد.
9. بین آرمان‌گرایی توسعه‌ای و الگوی ازدواج رابطه وجود دارد.

### 3. روش تحقیق

این پژوهش، مبتنی بر پارادایم مثبت‌گرایی و رهیافت کمی است، که با روش پیمایش انجام شده است. جامعه آماری این مطالعه جمعیت 17 تا 50 ساله شیراز است و با استفاده از دو روش فرمول کوکران و جدول لین تعداد 400 نفر به‌عنوان حجم نمونه مشخص گردید. در این تحقیق از شیوه چندمرحله‌ای برای نمونه‌گیری استفاده شده است. با توجه به ناهمگنی اقتصادی و اجتماعی شهر شیراز، از تقسیم‌بندی انجام‌شده توسط مقدس که شهر شیراز را به 6 منطقه تقسیم نموده بود استفاده شده است (مقدس، 1375: 47). این مناطق به ترتیب از بالاترین به پایین‌ترین منطقه اقتصادی را شامل می‌شود. از این مناطق، حوزه‌ها و سپس خانوارهایی به‌طور تصادفی انتخاب شده و آن‌گاه یکی از افراد خانواده که در دامنه سنی 17-50 قرار دارد مورد مصاحبه قرار گرفته است. برای محاسبه تعداد نمونه‌های آماری در هر منطقه، ابتدا حوزه‌های هر منطقه مشخص شد و سپس درصد حوزه‌های هر منطقه نسبت به کل حوزه مناطق شهر تعیین گردید. در مرحله بعد براساس درصد حوزه‌ها، تعداد پرسش‌نامه‌های اختصاص یافته به هر منطقه از 400 پرسش‌نامه شهر شیراز محاسبه گردید. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق ساخته است که دو نوع روایی برای آن در نظر گرفته شده است. الف) روایی صوری<sup>1</sup>، بدین صورت که سؤالات پرسش‌نامه به چند تن از استادان و دانشجویان گروه جامعه‌شناسی برای داوری ارائه شد. ب) از آنجایی که نتایج منعکس‌شده میان متغیرها انتظارات نظری را در سنجش الگوی ازدواج و ارتباط ابعاد آن با یکدیگر برطرف کرده است، ابزار تحقیق از روایی سازه<sup>2</sup> نیز برخوردار بوده است. برای اطمینان یافتن از پایایی سؤالات پرسش‌نامه، از روش ضریب آلفای کرونباخ<sup>3</sup> استفاده شد. نتایج گویای آن بود که ضریب آلفای کرونباخ در مورد شاخص سن مطلوب ازدواج (با 6 گویه) 0/87، نحوه انتخاب همسر (با 8 گویه) 0/78، جدایی و طلاق (با 7

1. face validity

2. construct validity

3. cronbach's coefficient alpha

گویه)، 0/81 و مطلوبیت ازدواج (با 9 گویه) 0/90 بوده است. به منظور تحلیل داده‌ها علاوه بر آمارهای توصیفی، از آمارهای استنباطی استفاده شده است و آزمون‌هایی مانند مقایسه میانگین‌ها (تی تست) برای فرضیه‌های اول تا سوم، تحلیل واریانس برای فرضیه چهارم و رگرسیون و همبستگی پیرسون برای فرضیه‌های پنجم تا نهم به منظور نشان دادن تفاوت‌های آماری و معنی‌داری روابط مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

متغیر وابسته این تحقیق الگوی ازدواج است که از مجموع شاخص‌های سن مطلوب ازدواج، نحوه انتخاب همسر، جدایی و طلاق و مطلوبیت ازدواج به دست می‌آید و این شاخص‌ها هم بر اساس طیف لیکرت سنجیده می‌شوند. نمره متغیر الگوی ازدواج توسط 30 گویه که هر گویه از نمره 1 تا 5 ارزش‌گذاری شده است (برای شاخص سن مطلوب ازدواج 6 گویه، برای شاخص نحوه انتخاب همسر 8 گویه، برای شاخص جدایی و طلاق 7 گویه و برای شاخص مطلوبیت ازدواج 9 گویه) اندازه‌گیری شده است و سپس بر اساس کمترین نمره داده شده توسط پاسخ‌گویان (39) و بیشترین نمره (145) و تقسیم دامنه نمرات به 2، دو طبقه مدرن و سنتی تشکیل شده است و افراد بر اساس نمره‌ای که گرفته‌اند در یکی از این طبقات جای گرفته‌اند. متغیرهای مستقل شامل متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنس، سن، میزان درآمد، وضعیت فعالیت، میزان تحصیلات و محل تولد) و متغیرهای فرهنگی (میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، اولویت‌های ارزشی و آرمان‌گرایی توسعه‌ای) است که تعریف برخی به شرح زیر است.

**اولویت‌های ارزشی مادی/فرامادی:** تعریف نظری این متغیر در بخش نظری توضیح داده شد. برای سنجش این متغیر از مقیاس چهار ارزشی اینگلهارت استفاده شده است که در پیمایش 1970 مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس سنخ‌بندی اینگلهارت از اولویت‌های ارزشی، افراد به مادی‌گرا و فرامادی‌گرا طبقه‌بندی می‌شوند. او از دو سنخ دیگر نام می‌برد که از نظر وضعیت میان دو سنخ اولی هستند که وی آن‌ها را التقاطی می‌داند و به نسبت تمایل به سمت مادی‌گرایی یا فرامادی‌گرایی، التقاطی مادی‌گرا و التقاطی فرامادی‌گرا می‌نامد.

**آرمان‌گرایی توسعه‌ای:** مفهومی است که به بررسی، توصیف و تفسیر تغییرات و دگرگونی‌های جهان و روابط انسان‌ها، در جهت فهم بهتر و واکنش مطلوب‌تر نسبت به آن‌ها می‌پردازد. که در این تحقیق از طریق انطباق جنبه عینی و ذهنی توسعه سنجیده می‌شود.

**جنبه عینی توسعه:** از طریق گزارش شاخص‌های توسعه انسانی<sup>1</sup> که هر سال توسط سازمان ملل به رتبه‌بندی شاخص‌های توسعه انسانی برای همه کشورها می‌پردازد، تعریف می‌گردد و در این تحقیق از گزارش سال 2007 شاخص‌های زیر برای سه کشور سب‌عنوان نمونه از کشورهای در حال توسعه (ایران)، توسعه‌یافته (آمریکا) و توسعه‌نیافته (افغانستان) استفاده شده است و این شاخص‌ها عبارتند از: شاخص انتظار زنده‌ماندن از بدو تولد، میزان بیکاری، آزادی سیاسی، تحصیلات، اقتصاد آزاد و کیفیت زندگی.

**جنبه ذهنی توسعه:** منظور فرایندی است که به تغییر و تحولات نگرش‌ها و ارزش‌های افراد در اثر تغییر و تحولات ناشی از توسعه و نوسازی می‌پردازد. برای سنجش جنبه ذهنی آرمان‌گرایی توسعه‌ای شاخص‌های ذکر شده توسط افراد نمونه، برای سه کشور توسط افراد نمونه رتبه‌بندی شده است. ما برای استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن، نمره‌ها را ابتدا به رتبه تبدیل کرده و سپس بین رتبه افراد و رتبه سازمان ملل به هر یک از این شاخص‌ها همبستگی اسپیرمن گرفتیم، از مجموع ضرایب اسپیرمنی که برای هر فرد نسبت به هر شاخص‌های توسعه حاصل شد، نمره آرمان‌گرایی وی به دست آمد.

#### 4. یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج جدول شماره 1، از کل پاسخ‌گویان، 54 درصد دارای الگوی سنتی و 46 درصد دارای الگوی مدرن هستند. بنابراین، تقریباً افراد نمونه دارای الگوی ازدواج نیمه‌سنتی نیمه‌مدرن هستند.

جدول شماره 1. توزیع پاسخ‌گویان برحسب الگوی ازدواج

1. human development index

الگوی ازدواج	تعداد	درصد	درصد تجمعی
سستی	216	54	54
مدرن	184	46	100
جمع	400	100	

بر اساس نتایج جدول شماره 2، شاخص‌هایی که میانگین‌شان پایین‌تر از میانه است سنتی و شاخص‌هایی که میانگین‌شان بالاتر از میانه است مدرن هستند. پس شاخص‌های سن مطلوب ازدواج، جدایی و طلاق، مطلوبیت ازدواج مدرن و شاخص نحوه انتخاب همسر سنتی است.

جدول شماره 2. میانگین شاخص‌های الگوی ازدواج

شاخص	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانه	میانگین	انحراف معیار
سن مطلوب ازدواج	6	30	18	18/3	8/03626
نحوه انتخاب همسر	8	40	34	23/5	10/03585
جدایی و طلاق	7	35	21	21/1	8/56866
مطلوبیت ازدواج	12	45	28/5	28/7	8/87019

بر اساس نتایج جدول شماره 3، از کل پاسخ‌گویان، 29/5 درصد مادی‌گرا، 28 درصد التقاطی مادی‌گرا، 23/75 درصد التقاطی فرامادی‌گرا و 18/75 درصد فرامادی‌گرا هستند.

جدول شماره 3. توزیع پاسخ‌گویان بر حسب اولویت‌های ارزشی

اولویت‌های ارزشی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
مادی‌گرا	118	29/5	29/5
التقاطی / مادی‌گرا	112	28	57/5
التقاطی / فرامادی‌گرا	95	23/75	81/25
فرامادی‌گرا	75	18/75	100
جمع	400	100	

بر اساس نتایج جدول شماره 4، از کل پاسخ‌گویان، 31 درصد آرمان‌گرایی توسعه‌ای پایین، 34 درصد آرمان‌گرایی توسعه‌ای متوسط و 35 درصد آرمان‌گرایی توسعه‌ای بالا هستند.

جدول شماره 4. توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان آرمان‌گرایی توسعه‌ای

آرمان‌گرایی توسعه‌ای	تعداد	درصد	درصد تجمعی
----------------------	-------	------	------------



31	31	124	پایین
65	34	136	متوسط
100	35	140	بالا
	100	400	جمع

نتایج جدول شماره 5 نشان می‌دهد با توجه به سطح معنی‌داری ( $p=0/094$ ) و مقدار آزمون ( $T=1/67$ ) بین الگوی ازدواج و وضعیت فعالیت رابطه وجود ندارد. در مورد

تفاوت میانگین الگوی ازدواج برحسب محل تولد افراد، با توجه به سطح معنی‌داری ( $p=0/253$ ) و مقدار آزمون ( $T=1/144$ ) تفاوت معناداری بین الگوی ازدواج افرادی

که در شهر متولد شده‌اند با افرادی که در روستا متولد شده‌اند وجود ندارد. همچنین با

توجه به سطح معنی‌داری ( $p=0/000$ ) و مقدار آزمون ( $T=13/23$ ) این رابطه بین الگوی ازدواج و جنس در سطح حداقل 95٪ معنی‌دار است و الگوی ازدواج زنان مدرن‌تر است. به طوری که از افرادی که الگوی مدرن دارند، 21/2 درصد مرد و 78/8 درصد زن هستند.

مجذور انا هم نشان می‌دهد که جنسیت توانسته است 30 درصد از تغییرات الگوی ازدواج

را تبیین کند. این می‌تواند طبق نظریه نوسازی نتیجه بالاتر رفتن سطح تحصیلات زنان و بیشتر شدن حضورشان در اجتماع و بیشتر شدن فرصت تصمیم‌گیری آنان باشد.

جدول شماره 5. آزمون تفاوت میانگین الگوی ازدواج برحسب وضعیت فعالیت، جنسیت و محل تولد ( $n = 400$ )

الگوی ازدواج	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مجذور Eta	مقدار T	سطح معنی‌داری
وضعیت فعالیت	فعال	88/12	33/83	-	-1/67	0/094
	غیر فعال	93/93	35/14			
جنسیت	زن	83/109	29/36	0/302	-13/23	0/000
	مرد	71/6	28/41			
محل تولد	شهر	93/24	34/16	-	1/144	0/253
	روستا	89/27	35/08			

نتایج جدول شماره 6 نشان می‌دهد با توجه به سطح معنی‌داری ( $p=0/000$ ) و مقدار آزمون ( $F=21/8$ ) رابطه بین الگوی ازدواج و اولویت‌های ارزشی در سطح حداقل 95٪ معنی‌دار است. طبق نظریه اینگلهارت، اولویت‌های ارزشی افراد به چهار گروه مادی گرا، التقاطی مادی گرا، التقاطی فرامادی گرا و فرامادی گرا تقسیم شده است که به ترتیب دارای میانگین‌های 88/55، 97/75، 103/52 و 111/28 برای الگوی ازدواج هستند و این نشان می‌دهد که فرامادی‌گراها الگوی ازدواج مدرن‌تری دارند و هرچه از

طرف افراد با اولویت‌های ارزشی مادی به سمت افراد با اولویت‌های ارزشی فرامادی می‌رویم الگوی ازدواج مدرن‌تر می‌شود. این یافته مؤید نظریه اینگلهارت و یافته‌های تجربی اوست، کسانی که به ارزش‌های جدید تمایل بیشتری نشان می‌دهند و نگرش مدرن‌تری دارند، فرامادی هستند و مادیون باید مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در مقابل آن جزم‌گراتر باشند. مجذور اتا هم نشان می‌دهد که اولویت‌های ارزشی توانسته است 29 درصد از تغییرات الگوی ازدواج را تبیین کند.

جدول شماره 6. آزمون تحلیل واریانس الگوی ازدواج برحسب اولویت‌های ارزشی افراد نمونه (n = 400)

اولویت‌های ارزشی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مجذور Eta	F	سطح معنی داری
مادیگرا	118	88/55	22/6	0/29	21/8	0/000
التقاطی / مادیگرا	112	97/75	25/88			
التقاطی / فرا مادیگرا	95	103/52	22/59			
فرا مادیگرا	75	111/28	18/17			

نتایج جدول شماره 7 نشان می‌دهد با توجه به سطح معنی‌داری (p=0/000)، و مقدار آزمون (r=0/731) رابطه بین الگوی ازدواج و سن در سطح حداقل 95٪ معنی‌دار است و همبستگی معکوس بین آن‌ها وجود دارد. مقدار R2 هم نشان می‌دهد که متغیر سن توانسته است 53 درصد از تغییرات الگوی ازدواج را تبیین کند. طبق نظریه نوسازی و تغییر و دگرگونی فرهنگی و ارزشی نسل جوان تحت تأثیر نوسازی و توسعه قرار گرفته است و نگرش‌هایش در بیشتر زمینه‌ها از جمله ازدواج مدرن‌تر شده است.

با توجه به سطح معنی‌داری (p=0/000) و مقدار آزمون (r=0/589) رابطه بین میزان درآمد ماهیانه خانواده و الگوی ازدواج در سطح حداقل 95٪ معنی‌دار است و رابطه مثبت و معنی‌داری بین دو متغیر وجود دارد. مقدار R2 هم نشان می‌دهد که متغیر درآمد توانسته است 35 درصد از تغییرات الگوی ازدواج را تبیین کند. از بین افرادی که الگوی ازدواج مدرن دارند، بالاترین درصد (41/3 درصد) مربوط به افرادی است که درآمد بین 250-399 هزار دارند، پایین‌ترین درصد، (4/3 درصد) مربوط به افرادی است که درآمد بین 100-249 هزار دارند. با توجه به نظریه اقتصادی و مبادله وضعیت اقتصادی افراد بر الگوی ازدواج‌شان مؤثر است.

با توجه به سطح معنی‌داری (p=0/000) و مقدار آزمون (r=0/762) رابطه بین سطح تحصیلات فرد و الگوی ازدواج در سطح حداقل 95٪ معنی‌دار است و رابطه مثبت و معنی‌داری بین دو متغیر وجود دارد. مقدار R2 هم نشان می‌دهد که متغیر تحصیلات توانسته است 58 درصد از تغییرات الگوی ازدواج را تبیین کند. افرادی با 0-5 کلاس سواد، 6/5 درصد، با 6-8 کلاس سواد، 8/7 درصد، با 9-12 کلاس سواد، 32/6 درصد، با 13-16 کلاس سواد، 41/3 درصد و با بیشتر از 17 کلاس سواد 10/9 درصد الگوی ازدواج مدرن دارند. طبق نظریه نوسازی و نظریه ساختار ارزش‌های انسانی (شوارتز)، نگرش‌های افراد از جمله در مورد ازدواج و تشکیل خانواده با بالاتر رفتن میزان تحصیلات تغییر می‌کند.

با توجه به سطح معنی‌داری (p=0/000) و مقدار آزمون (r=0/786) رابطه بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی فرد و الگوی ازدواج در سطح حداقل 95٪ معنی‌دار است. رابطه مثبت و معنی‌داری بین دو متغیر وجود دارد، به این معنا که با افزایش میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، الگوی ازدواج مدرن‌تر می‌شود. مقدار R2 هم نشان می‌دهد که متغیر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی توانسته است 62 درصد از تغییرات الگوی ازدواج را تبیین کند. از بین افرادی که میزان استفاده پایینی از وسایل ارتباط جمعی دارند، 8/7 درصد، از بین افرادی که میزان استفاده متوسطی دارند، 39/1 درصد و از بین افرادی که میزان استفاده بالایی دارند، 52/2 درصد، الگوی ازدواج مدرن دارند. طبق نظریه نوسازی و آرمان‌گرایی توسعه‌ای، نگرش‌ها و ارزش‌های افراد تحت تأثیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی تغییر می‌کند که این بر الگوی ازدواج افراد نیز تأثیر می‌گذارد.

با توجه به سطح معنی‌داری (p=0/000)، و مقدار آزمون (r=0/59) رابطه بین آرمان‌گرایی توسعه‌ای و الگوی ازدواج در سطح حداقل 95٪ معنی‌دار است. رابطه مثبت و معنی‌داری بین دو متغیر وجود دارد، به این معنا که با افزایش میزان آرمان‌گرایی توسعه‌ای، الگوی ازدواج مدرن‌تر می‌شود. مقدار R2 هم نشان می‌دهد که متغیر آرمان‌گرایی توسعه‌ای توانسته است 36 درصد از تغییرات

الگوی ازدواج را تبیین کند. از بین افرادی که الگوی ازدواج مدرن دارند، 17/4 درصد آرمان‌گرایی توسعه‌ای پایین، 17/4 درصد آرمان‌گرایی توسعه‌ای متوسط، 65/2 درصد آرمان‌گرایی توسعه‌ای بالا دارند. بنابراین با بالاتر رفتن میزان آرمان‌گرایی توسعه‌ای، الگوی ازدواج مدرن‌تر می‌شود. بر طبق تحقیقات تورنتون (2001)، (2005) و (2006) نظریه آرمان‌گرایی توسعه‌ای بیانگر این واقعیت است که: ایده‌های توسعه اجتماعی و تجددخواهی به‌طور وسیعی در جهان انتشار یافته و در تغییر دادن زندگی خانوادگی در بسیاری از کشورهای جهان اهمیت داشته است. نتایج تحقیقات، انتشار گسترده و کاربرد وسیع آرمان‌گرایی توسعه‌ای را برای سازمان‌های اجتماعی و خانواده، نشان می‌دهد. این تغییر رفتارها تحت تأثیر عوامل ناشی‌شده از توسعه مثل گسترش تحصیلات و استفاده از وسایل ارتباط جمعی است.

جدول شماره 7. آزمون رابطه سن، درآمد، سطح تحصیلات، استفاده از وسایل ارتباطی و آرمان‌گرایی توسعه‌ای با الگوی ازدواج

الگوی ازدواج	R	R <sup>2</sup>	Adj.R <sup>2</sup>	انحراف معیار	B	Beta	F	سطح معناداری
سن	0/731	0/535	/533	23/65	-58/2	-0/731	/04 457	0/000
درآمد	0/589	0/347	0/346	28/01	9/99	0/589	211/7	0/000
سطح تحصیلات	0/762	0/581	0/580	22/43	6/90	0/762	/79 552	0/000
استفاده از وسایل ارتباطی	0/786	0/618	0/617	21/4	2/85	0/78	/03 645	0/000
آرمان‌گرایی توسعه‌ای	0/59	0/359	0/357	27/76	2/36	0/599	/88 222	0/000

در جدول شماره 8 با استفاده از معادله رگرسیون چندمتغیره به شیوه هم‌زمان، به تبیین متغیر وابسته (الگوی ازدواج) پرداخته شده است. برای استفاده از رگرسیون چندمتغیره در ابتدا باید پیش‌فرض‌های رگرسیون، در تحلیل‌های مقدماتی مورد آزمون قرار گیرد تا هیچ نوع انحرافی از فرض‌های نرمال بودن، خطی بودن و یکسانی واریانس باقی‌مانده‌ها و عدم هم‌خطی متغیرهای مستقل وجود نداشته باشد، پس از اطمینان از صحت فرض‌های رگرسیون، می‌توان از آن استفاده کرد. در تحقیق حاضر پیش‌فرض‌های نرمال بودن، خطی بودن و یکسانی واریانس باقی‌مانده صحت داشتند ولی در مورد پیش‌فرض عدم هم‌خطی متغیرهای مستقل، بین چندین متغیر مانند سن و سطح تحصیلات همبستگی بالای 70 درصد با سایر متغیرها وجود دارد، پس این متغیر وارد رگرسیون نشده‌اند. قابل ذکر است برای استفاده از این روش، متغیرهای اسمی مانند جنسیت و اولویت‌های ارزشی به صورت ساختگی وارد معادله شده‌اند. متغیرهایی که وارد معادله رگرسیون چندمتغیره شده‌اند، 7 متغیر بوده‌اند که در جدول مشخص‌اند. در رگرسیون چندمتغیره به شیوه هم‌زمان تمامی متغیرها به‌طور هم‌زمان وارد معادله می‌شوند و هر متغیر (جدای از دیگر متغیرها)، بر اساس این که چه مقدار از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کند سنجیده می‌شود (آلیستر، 2002: 185). همان‌گونه که در جدول دیده می‌شود، متغیرهای مدل، در نهایت توانسته‌اند 82/3 درصد ( $R=0/823$ ) از واریانس متغیر وابسته را در نمونه و 73/3 درصد ( $R^2=0/733$ ) از واریانس متغیر وابسته را در جامعه آماری تبیین کنند. این مقدار بسیار بالا، نشان‌دهنده برازش خوب مدل و متغیرهای انتخاب شده است.

با توجه به مقادیر Beta برای هر کدام از متغیرها، که در جدول مشخص می‌شود که از میان متغیرهایی که رابطه معنادار دارند، متغیرهای آرمان‌گرایی توسعه‌ای، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، اولویت‌های ارزشی و سن با متغیر وابسته دارای رابطه مستقیم و مثبت هستند و متغیر جنسیت دارای رابطه معکوس و منفی هست و متغیرهای درآمد و وضعیت اشتغال با متغیر وابسته، رابطه معنی‌داری ندارند. از میان متغیرها، متغیر جنسیت، توانسته است بیشترین مقدار از واریانس الگوی ازدواج را تبیین کند؛

بنابراین تأثیرگذارترین متغیر در الگوی ازدواج است. مقدار بالای  $F=165/34$  و سطح معناداری آن  $\text{Sig}=0/000$  مدل را با فاصله اطمینان  $P > 0/001$  تأیید می‌کند.

جدول شماره 8. همبستگی متغیرهای درون معادله با متغیر وابسته برای پیش‌بینی الگوی ازدواج

نام متغیر	B	Beta	t	سطح معنی داری
سن	0/567	0/154	2/394	0/015
وسایل ارتباطی	1/146	0/312	4/377	0/000
اواویت‌های ارزشی	2/208	0/032	0/988	0/024
درآمد	-06E8/744	0/055	1/576	0/178
آرمان‌گرایی	0/644	0/098	4/265	0/000
جنس	-39/49	-0/575	-13/992	0/000
وضعیت اشتغال	-3/137	-0/045	-1/831	0/068

#### 5. نتیجه‌گیری

خانواده ایرانی در چندین سال اخیر تحت تأثیر روند مدرنیزاسیون و لوازم و پیامدهای آن از جمله تغییر ساخت اقتصادی و رواج شهرنشینی، اشاعه فرهنگی، دخالت دولت در امور خانواده، مهاجرت خانواده‌های روستایی به شهر به‌ویژه پس از اصلاحات ارضی، پدیدآمدن امکان رشد طبقات متوسط در شهرهای ایران از طریق رشد آموزش عمومی و تخصصی جهت تصدی مشاغل جدید صنعتی و خدماتی، دگرگونی‌های نسبتاً چشم‌گیری را از لحاظ ساخت، کارکرد و ارزش‌های فرهنگی تجربه کرده است. این تحولات موجب شد تا جامعه ایرانی سادگی قدیم خود را از دست بدهد و گروه‌های گوناگونی از لحاظ ساخت و کارکرد پدیدار شوند و روابط میان این گروه‌ها نیز پیچیدگی بسیار پیدا کند. از لحاظ شکل‌های ازدواج نیز خانواده ایرانی در نیم قرن اخیر شاهد سیر از چندزنی به یک زنی بوده است. خانواده امروزی از لحاظ ساخت و کارکرد و برخی ارزش‌های فرهنگی، تمایلی به مشابهت با خصوصیات خانواده و ازدواج در جوامع صنعتی نشان می‌دهد، اما این تشابه به‌هیچ‌وجه با دیدگاه تکامل خطی تفسیرپذیر نیست. بلکه بیشتر با مفهوم تطور تمایلی (به تعبیر گورویچ) قابل توجیه است. همسرگزینی در ایران بیشتر یک عمل سنتی و قبیله‌ای است تا نتیجه یک تصمیم‌گیری شخصی. ازدواج ترتیب‌یافته یک هنجار است و در جامعه ایرانی امروز با تفاوت کمی نسبت به گذشته ادامه می‌یابد. به نظر گود نتیجه نوسازی این است که شرایط مطلوب ازدواج با خویشاوندان کاهش می‌یابد و برون‌همسری افزایش می‌یابد، سن ازدواج کم‌کم بالاتر می‌رود و پذیرش طلاق برای افراد آسان‌تر می‌شود که در ایران نیز در طول دوره‌های تغییر اجتماعی، تفاوت‌هایی بین واکنش‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت در هنجارهای فرهنگی مثل ترجیحات برای ازدواج با خویشاوندان، انتخاب همسر بر اساس عشق و علاقه و مطلوبیت ازدواج به وجود آمده است.

این پژوهش درصدد برآمد تا ضمن شناخت الگوی ازدواج، رابطه متغیرهای فرهنگی و زمینه‌ای را با این متغیر بررسی کند. در این بررسی این سؤالات مطرح شد که الگوی ازدواج در شهر شیراز چگونه است؟ و چه ارتباطی می‌تواند با متغیرهای فرهنگی و زمینه‌ای داشته باشد؟ نتایج تحقیق نشان‌دهنده این است که 54 درصد از پاسخ‌گویان دارای الگوی سنتی و 46 درصد دارای الگوی مدرن هستند. بنابراین، تقریباً افراد نمونه دارای الگوی ازدواج نیمه‌سنتی نیمه‌مدرن هستند. شاخص‌های سن مطلوب ازدواج، جدایی و طلاق، مطلوبیت ازدواج مدرن و شاخص نحوه انتخاب همسر سنتی است. از کل پاسخ‌گویان، 29/5 درصد اولویت‌های ارزشی مادی‌گرا، 28 درصد التقاطی مادی‌گرا، 23/75 درصد التقاطی فرامادی‌گرا و 18/75 درصد فرامادی‌گرا دارند. از کل پاسخ‌گویان، 31 درصد آرمان‌گرایی توسعه‌ای پایین، 34 درصد آرمان‌گرایی توسعه‌ای متوسط و 35 درصد آرمان‌گرایی توسعه‌ای بالا هستند. در این پژوهش 9 فرضیه مطرح شده است که 2 فرضیه رد و 7 فرضیه مورد تأیید قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد با توجه به

سطح معنی‌داری ( $P=0/094$ ) بین الگوی ازدواج و وضعیت فعالیت رابطه وجود ندارد. رابطه بین الگوی ازدواج و جنس در سطح حداقل 95٪ معنی‌دار است و الگوی ازدواج زنان مدرن‌تر است. این نتیجه می‌تواند طبق نظریه نوسازی نتیجه بالا رفتن سطح تحصیلات زنان و بیشتر شدن حضورشان در اجتماع و بیشتر شدن فرصت تصمیم‌گیری آنان باشد. رابطه بین الگوی ازدواج و اولویت‌های ارزشی در سطح حداقل 95٪ معنی‌دار است. طبق نظریه اینگلهارت، اولویت‌های ارزشی افراد به چهار گروه مادی‌گرا، التقاطی مادی‌گرا، التقاطی فرامادی‌گرا و فرامادی‌گرا تقسیم شده است که براساس نتایج، فرامادی‌گراها الگوی ازدواج مدرن‌تر دارند و هرچه از طرف افراد با اولویت‌های ارزشی مادی به سمت افراد با اولویت‌های ارزشی فرامادی می‌رویم الگوی ازدواج مدرن‌تر می‌شود. این یافته مؤید نظریه اینگلهارت و یافته‌های تجربی اوست که کسانی که به ارزش‌های جدید تمایل بیشتری نشان می‌دهند و نگرش مدرن‌تری دارند، فرامادی هستند و مادیون باید مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در مقابل آن جزم‌گراتر باشند. همچنین بر اساس نتایج رابطه بین الگوی ازدواج و سن در سطح حداقل 95٪ معنی‌دار است و همبستگی معکوس بین آن‌ها وجود دارد. این نتیجه با توجه به نظریه نوسازی و تغییر و دگرگونی فرهنگی و ارزشی قابل توجه است زیرا بر اساس این نظریه‌ها نسل جوان تحت تأثیر نوسازی و توسعه قرار گرفته است و نگرش‌هایش در بیشتر زمینه‌ها از جمله ازدواج مدرن‌تر شده است. همچنین رابطه بین میزان درآمد ماهیانه خانواده و الگوی ازدواج در سطح حداقل 95٪ معنی‌دار است و رابطه مثبت و معنی‌داری بین دو متغیر وجود دارد. این نتیجه با توجه به نظریه اقتصادی و مبادله قابل توجه است زیرا بر اساس این نظریه‌ها وضعیت اقتصادی افراد بر الگوی ازدواجشان مؤثر است. رابطه بین سطح تحصیلات فرد و الگوی ازدواج در سطح حداقل 95٪ معنی‌دار است و رابطه مثبت و معنی‌داری بین دو متغیر وجود دارد. این نتیجه با توجه به نظریه نوسازی و نظریه ساختار ارزش‌های انسانی (شوارتز) قابل توجه است زیرا بر اساس این نظریه‌ها، نگرش‌های افراد در زمینه‌های مختلف از جمله در مورد ازدواج و تشکیل خانواده با بالاتر رفتن تحصیلات تغییر می‌کند. رابطه بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی فرد و الگوی ازدواج در سطح حداقل 95٪ معنی‌دار است. رابطه مثبت و معنی‌داری بین دو متغیر وجود دارد. طبق نظریه نوسازی و آرمان‌گرایی توسعه‌ای، نگرش‌ها و ارزش‌های افراد تحت تأثیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی تغییر می‌کند که این بر الگوی ازدواج افراد نیز تأثیر می‌گذارد. رابطه بین آرمان‌گرایی توسعه‌ای و الگوی ازدواج مثبت و مستقیم است، به این معنا که با افزایش میزان آرمان‌گرایی توسعه‌ای، الگوی ازدواج مدرن‌تر می‌شود. چارچوب توسعه‌ای به‌عنوان یک «مدل آرمانی از واقعیت» و یک «مدل آرمانی برای واقعیت» توصیف شده است که به‌عنوان یک مدل آرمانی از واقعیت، مدل‌هایی برای تفسیر تغییر رفتارها و دیدگاهی برای دیدن و فهمیدن جهان فراهم می‌کند و به‌عنوان یک مدل آرمانی برای واقعیت، چارچوبی برای چگونه رفتار کردن و واکنش به جهان فراهم می‌کند. ایده‌های توسعه اجتماعی و مدرنیته به‌طور وسیعی در جهان انتشار یافته و در تغییر دادن زندگی خانوادگی در بسیاری از کشورهای جهان اهمیت داشته است. این تغییر رفتارها تحت تأثیر عوامل ناشی شده از توسعه مثل گسترش تحصیلات و استفاده از وسایل ارتباط جمعی است. در نمونه‌گیری تحقیق با توجه به ناهمگنی اقتصادی و اجتماعی، از تقسیم‌بندی انجام‌شده توسط مقدس که شهر شیراز را به 6 منطقه به ترتیب از بالاترین به پایین

ترین منطقه اقتصادی تقسیم نموده بود، استفاده شد و تحقیق در تمام این 6 منطقه اجرا گردید. بنابراین نتایج حاصله به همه مناطق قابل تعمیم است و بر طبق نتایج تحت تأثیر نوسازی و پیامدهای آن مانند افزایش تحصیلات و شهرنشینی آرمان‌گرایی افراد در تمام مناطق مورد مطالعه افزایش یافته که این موجب تغییراتی در نگرش و رفتار افراد از جمله در زمینه ازدواج شده و باعث مشابهت الگوی ازدواج افراد با الگوی ازدواج غربی و مدرن‌تر شدن آن شده است.

### منابع

- احمدنیا، شیرین و امیرهوشنگ مهریار (1383)، «نگرش و ایده‌آل‌های نوجوانان تهرانی در زمینه همسرگزینی، فرزندآوری و تنظیم خانواده»، در *مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شیراز: دانشگاه شیراز، صص 197-218.
- اینگلهارت، رونالد (1382)، *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- آستین‌نشان، پروانه (1380)، *بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی جمعیتی مؤثر بر آن طی سال‌های 1355-1375*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران.
- خزاعی، طاهره (1379)، *بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران.
- جعفری، محمدحسین و علی چوبری (1385)، «تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال یکم، شماره 2، زمستان 1385، صص 89-110.
- سرایی، حسن (1385)، «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال یکم، شماره 2، زمستان 1385، صص 37-60.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (1384)، «قومیت و الگوی ازدواج در ایران»، *مجله پژوهش زنان*، دوره 3، شماره 1، بهار 1384، صص 25-47.
- عسکری‌ندوشن، عباس (1382)، *عوامل نهادی مؤثر بر باروری با تأکید خاص بر تحولات خانواده: مطالعه موردی استان یزد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران.
- قربانی، رضا (1383)، *تغییرات فرهنگی (از کوچ به اسکان) مطالعه موردی: عشایر تالش در طول سه نسل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران.
- کنعانی، محمدمین (1385)، «پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال یکم، شماره 1، تابستان 1385، صص 104-126.
- گیدنز، آنتونی (1379)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران (1366)، *نتایج سرشماری نفوس و مسکن*، تهران: مرکز آمار ایران.

مرکز آمار ایران (1376)، *نتایج سرشماری نفوس و مسکن*، تهران: مرکز آمار ایران.

مقدس، علی اصغر (1374)، «منزلت مشاغل در جامعه شهری ایران: شهر شیراز»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره دهم، شماره دوم، صص 65-93.

مقدس، علی اصغر و بیژن خواجه‌نوری (1384)، «جهانی‌شدن و مشارکت اجتماعی زنان: مطالعه موردی زنان شیراز و استهبان»، *مجله پژوهش زنان*، شماره 7، سال 13، تهران: انتشارات الزهرا.

Dejong, J., Ghimire, D & Arland Thornton, (2006), "The Influence of Developmental Idealism on Marriage: Evidence from Nepal", *Population Studies Cent*, University of Michigan: Ann Arbor, Michigan 48106, <http://developmentaliidealism.Org/projects/familylife/-&k>.

Dixon, Ruth, "Explaining Cross-Cultural Variations in Age at Marriage and Proportions Never Marring", *Population Studies*, Vol. 25, No. 2, pp. 215-233.

Goode, William, (1963), *World Revolution and Family Patterns*, New York: Free Press.

Geertz, C., (1973), *The Interpretation of Cultures: Selecte Essays*, New York: Basic Books.

Hank, K., (2001), "Regional Social Contexts and Individual Fertility Decisions: a Multilevel Analysis of First and Second Births in Western Germany", *Working Paper No, 015*, Max Institute for Demographic Research.

Inglehart, R., (2000), "Globalization and Postmodern Values", *The Washington Quarterly*, Vol. 23, No. 1, pp. 215-222.

Inglehart, R., et al (2004), *Human Beliefs and Values*, Buenos Aires, Argentina: Siglo Veintiuno Editores.

Lalonde, Richard N., (2004), "The Role of Cultural in Intersonal Relationships: Dosecond Generation South Asian Canadians Want Traditional Partner", *Journal of Cross-Cultural Psychology*, Vol. 35, No. 5, pp. 503-524.

Malhotra A., & A. O. Tsui (1996), "Marriage Timing in Sri Lanka: the Role of Modern Norms and Ideas", *Journal of Marriag and the Family*, Vol. 21, No. 2, pp. 476-490.

Mitra P., (2004), "Effect of Socio-Economic Characteristics on Age at Marriage and Total Fertility in Nepal", *Journal of Health and Population*, Vol. 22, No. 1, pp. 84-96.

Quismbing A. R., & K. Hallman (2003), *Marriage in Transition: Evidence on Age, Education and Assesst from Six Developing Countries*, New York: Population Council.

Thornton, Arland, (2001), "The Developmental Paradigme, Reading History Sideways, and Family Chang", *Demography*, Vol. 38, No. 4, pp. 449-465.

Thornton, Arland, (2005), "Reding History Sideways: The Fallacy and Enduring Impact of The Developmental Paradigme on Family Life", [Online]<

<http://developmentaliidealism.Org/>> [18 Feb 2006].

Vanden, Heuvel, A., & Mc Donald, P. (1994), "Marriage and Divorce" in. D. Lucas & P. Mayer Ceds. (Eds.)", *Population Studies*, Canberra: Australian National University, pp. 69-90.

زهرا کاظمی، کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی از دانشگاه شیراز و مدرس دانشگاه پیام نور است (نویسنده مسئول).

Zahrakazemi\_mehr@yahoo.com

صغری نیازی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه شیراز و مدرس دانشگاه

پیام نور است.

sniyazi500500@yahoo.com

بررسی رابطه سبک زندگی با هویت قومی جوانان

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره یازدهم، شماره 2

**بررسی رابطه سبک زندگی با هویت قومی جوانان**